

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Normative and Structural Challenges of Citizenship Rights in the Legal System of the Islamic Republic of Iran

Nader Karami Dehlan¹, Seyed Mohammad Hashemi^{*2}

1. PhD Student, Department of Public Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Public Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

* Corresponding Author's Email: dr.sm.hashemi@yahoo.com

ABSTRACT

Human society is seeking a new definition of the human being and the world, in which the human is recognized as a rights-bearing entity. Therefore, there is a need to establish and institutionalize a democratic and sustainable society with due regard to citizenship rights. The aim of this study is to examine the normative and structural challenges of citizenship rights in the legal system of the Islamic Republic of Iran. This research was conducted using a descriptive-analytical method and by employing library-based data collection through systematic note-taking from sources relevant to the study. The Law on Respect for Legitimate Freedoms and the Protection of Citizenship Rights was approved by the Islamic Consultative Assembly (Parliament), under which the Fourth Economic, Social, and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran obliged the government and the judiciary to prepare and draft a charter or bill of citizenship rights. The foundation of citizenship rights is to create security for citizens so that members of society can realize their innate potentials and achieve their highest aspirations. A key issue is that in a legal definition of citizenship rights, the obligations of the state and the rights of citizens are explicitly determined. The most important guarantee for the enforcement of citizenship rights is the performance of government officials. If officials fail to fulfill their duties correctly, the institutionalization of citizenship rights will not be effectively realized. Accordingly, it can be said that the lack of adherence by authorities to the principle of the rule of law is the most significant challenge confronting citizenship rights. The findings of the study show that structural challenges in realizing citizenship rights are primarily related to governmental functions, whereas normative challenges are more closely linked to the functions of society and the people. Minimizing these challenges plays a critical role in the improvement and enhancement of citizenship rights.

Keywords: Right; Citizen; Citizenship Rights; Structural Challenges; Normative Challenges

How to cite: Karami Dehlan, N., & Hashemi, S. M. (2023). Normative and Structural Challenges of Citizenship Rights in the Legal System of the Islamic Republic of Iran. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 1(1), 17-31.



تاریخ ارسال: ۳ بهمن ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۲۱ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۸ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱ مهر ۱۴۰۲

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

چالش‌های هنجاری و ساختاری حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران

نادر کرمی دهلان^۱، سید محمد هاشمی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد، گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: dr.sm.hashemi@yahoo.com

چکیده

جامعه بشری به دنبال تعریف جدیدی از انسان و جهان است که انسان به عنوان موجودی ذی حق شناخته شده است. لذا نیاز به شکل‌گیری و نهادینه شدن یک جامعه مردم‌سالار و پایدار با توجه به حقوق شهروندی هست. هدف از انجام این پژوهش بررسی چالش‌های هنجاری و ساختاری حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای به صورت فیش برداری از منابع مرتبط با تحقیق به بررسی چالش‌های ساختاری و هنجاری حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی پرداخته شده است. «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و به موجب آن، قانون، برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دولت و قوه قضاییه به تهیه و تدوین منشور و یا لایحه حقوق شهروندی مکلف گردیدند. مبنای حقوق شهروندی، ایجاد امنیت برای شهروندان است تا در سایه آن انسان‌های عضو جامعه بتوانند استعدادهای ذاتی خود را شکوفا سازند و به هدف عالی خود دست یابند. مسئله قابل توجه این است که در یک تعریف قانونی از حقوق شهروندی، تکالیف دولت و حقوق شهروندان مشخص می‌شود. مهم‌ترین تضمین برای اجرای حقوق شهروندی، عملکرد دولتمردان است. اگر دولتمردان وظایف خود را درست انجام ندهند، نهادینه شدن حقوق شهروندی به درستی انجام نخواهد شد. از این رو، می‌توان گفت عدم التزام مسئولان به اصل حاکمیت قانون، مهم‌ترین چالش پیش روی حقوق شهروندی است. نتایج پژوهش نشان داد که چالش‌های ساختاری در تحقق حقوق شهروندی بیشتر معطوف به کارکردهای دولت و چالش‌های هنجاری بیشتر معطوف به کارکردهای جامعه و مردم است که از بین بردن هر چه بیشتر این چالش‌ها در بهبود و ارتقا حقوق شهروندی نقش دارند.

کلیدواژگان: حق، شهروند، حقوق شهروندی، چالش‌های ساختاری، چالش‌های هنجاری.

نحوه استناددهی: کرمی دهلان، نادر. و هاشمی، سید محمد. (۱۴۰۲). چالش‌های هنجاری و ساختاری حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*.

۱ (۱)، ۳۱-۱۷.



بیش از پیش در معرض تضییع قرار گرفته است و دستگاه قضایی به تنهایی برای حفاظت از حقوق شهروندان کفایت نمی‌کند. از این رو علاوه بر دستگاه قضایی، وجود نهادهای نظارتی غیر قضایی مستقل و اثر بخش در رابطه با تضمین حقوق شهروندان، پیش شرط اساسی در نظام‌های مردمی محسوب می‌شود. این موضوع در بند ۵ از قسمت «الف» منشور حقوق شهروندی مورد توجه قرار گرفته است: «دولت با همکاری سایر قوا و ارکان حاکمیت در حدود صلاحیت‌ها، منابع و امکانات و در چارچوب قانون اساسی نسبت به موارد زیر اقدام می‌کند:.... تدوین آیین‌ها و روش‌های غیر قضایی برای مقابله با نقض حقوق شهروندی با هدف طرح آسان اعتراضات و شکایات و رسیدگی در کمترین زمان ممکن». در توضیح این بند آمده است: «طبق منشور نباید تنها گزینه مردم برای احقاق حقوقشان مراجعه به دستگاه قضایی باشد. به عبارتی دیگر باید به دنبال ارائه آیین‌ها و روش‌های متعددی بود که مردم را از طرق غیر قضایی هم به حقشان می‌رساند که الزاماً به معنای مراجعه به مرجع خاصی نیست. یکی از لوایحی که در دستور کار قرار گرفته تأسیس نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی است که شاید این نهاد بتواند چنین نقشی را بازی کند و در واقع افراد با مراجعه به آن نهاد و اعلام موارد نقض حقوق شهروندی با پیگیری‌هایی که در آن نهاد ملی مستقل انجام خواهد شد دیگر نیازی برای مراجعه به دستگاه قضایی نداشته باشند. این نهاد به طور کامل دولتی نیست و در واقع سازوکاری است که برای سرعت بخشیدن و بالا بردن دقت لازم در پیگیری موارد نقض حقوق شهروندی». این نهادها دارای امتیازاتی بی‌شماری می‌باشند به عنوان نمونه؛ نهادهای ملی از آنجا که سازمان صرفاً دولتی محسوب نمی‌شوند از پاسخگویی به دولت معافند و برعکس این دولتها هستند که در مورد نقض حقوق شهروندان باید پاسخگوی نهادهای ملی باشند. نهادهای ملی ضمن آنکه ضریب پاسخگویی دولت را افزایش می‌دهند، به راهکاری برای ایفای تعهدات بین‌المللی پذیرفته شده دولتها

بحث حقوق شهروندی امری بدیهی بوده و باید از حقوق شهروندی دفاع کرد؛ اما وقتی به واقعیت‌های درون جامعه می‌نگریم در می‌یابیم که هنوز افراد جامعه نسبت به حقوق خود آگاه نیستند و هنوز در بخش‌هایی از جامعه این حس وجود دارد که افراد پیش از آن که محق باشند، مکلف‌اند. اما صرف گفتمان حقوق شهروندی در جامعه به معنای رعایت آن نیست و باید رعایت این حقوق از طرف افراد جامعه و مسئولان نیز عینیت یابد.

در حالی که حقوق بشر، حقوقی جهانشمول، بنیادین و مطلق است، یعنی همه‌ی انسان‌ها از آن برخوردارند و غیرقابل سلب و غیرمشروط است، حقوق شهروندی مستلزم رابطه‌ی فرد با جامعه - ی سیاسی و دولت است و در چارچوب دولت محقق می‌گردد. بخش عمده‌ی حقوق شهروندی، همان حقوق بشر است که ظرف اجرایی معینی پیدا کرده است. بنابراین، حقوق شهروندی مجموعه‌ی وسیعی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در کنار آن تکالیف و وظایف شهروندان در قبال دولت را مورد توجه قرار می‌دهد و بر برابری، عدالت، آزادی و استقلال دارد. در واقع شهروند نه یک موقعیت منفعلانه، بلکه یک موقعیت فعالانه است و با سلطه ناسازگار است. همچنین ایده‌ای است قوی که شرافت فرد را به رسمیت می‌شناسد. بر این اساس در بحث حقوق شهروندی، دولت ملزم است جایگاه شهروندان خود را به رسمیت بشناسد و حقوق آن‌ها را رعایت کند.

باید گفت وجود مکانیزم‌هایی برای حمایت و دفاع از حقوق شهروندان، بخش تفکیک ناپذیر هر حکومت مردم‌سالار و پاسخگو می‌باشد و از این رو، نقش و کارکرد دستگاه قضایی در نظام‌های مبتنی بر تفکیک قوا در حفظ و حراست از حقوق شهروندان برجسته و قابل توجه است. اما به دنبال پیچیده‌تر شدن جوامع انسانی و ساختارهای پرپیچ و خم دیوان سالاری حاکم بر جوامع مردم‌سالار، حیات شهروندان و حقوق و آزادی‌های بنیادین آن‌ها

تبدیل می‌شوند. باید گفت بیشتر نهادهای ملی موجود را می‌توان در دو دسته کلی طبقه بندی کرد: «کمیسیون‌های حقوق بشر» و «امبودزمان»ها.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، هرچند بنا بر اصل ۱۷۳ قانون اساسی، دیوان عدالت اداری به شکایات شهروندان علیه نهادهای عمومی و دولتی رسیدگی قضایی را انجام می‌دهد اما کمیسیون اصل نود و سازمان بازرسی کل کشور، صلاحیت‌های آمبود زمان را نسبت به نظام حقوقی کشورمان ایفا می‌کنند. به عنوان مثال: مبارزه با فساد؛ نظارت بر حسن برگزاری انتخابات؛ نظارت بر پاسخگویی مسئولان و دسترسی آزادانه به اطلاعات از جمله وظایف سازمان بازرسی کل کشور می‌باشد و سازمان بازرسی کل کشور و کمیسیون اصل ۹۰ دارای نقشی مکمل برای دیوان عدالت اداری هستند. باید اضافه کرد که؛ هر چند نمی‌توان منکر فعالیتهای موثر و مفید کمیسیون حقوق بشر اسلامی، دیوان عدالت اداری، سازمان بازرسی کل کشور و نیز کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در حمایت از حقوق شهروندی شد؛ اما با امتیازاتی که پیش‌تر برای نهادهای ملی برشمرده شد تاسیس یک نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی در کشورمان لازم و مفید به نظر می‌رسد که بتواند با پشتوانه قانونی و صلاحیت‌های مشخص به حمایت و ترویج حقوق شهروندی به شیوه غیر قضایی بپردازد.

در حالی که حقوق بشر، حقوقی جهان شمول، بنیادین و مطلق است، یعنی همه‌ی انسان‌ها از آن برخوردارند و غیرقابل سلب و غیرمشروط است، حقوق شهروندی مستلزم رابطه‌ی فرد با جامعه - ی سیاسی و دولت است و در چارچوب دولت محقق می‌گردد. بخش عمده‌ی حقوق شهروندی، همان حقوق بشر است که ظرف اجرایی معینی پیدا کرده است. بنابراین، حقوق شهروندی مجموعه‌ی وسیعی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در کنار آن تکالیف و وظایف شهروندان در قبال دولت را مورد توجه قرار می‌دهد و بر برابری، عدالت، آزادی و

استقلال دارد. در واقع شهروند نه یک موقعیت منفعلانه، بلکه یک موقعیت فعالانه است و با سلطه ناسازگار است. همچنین ایده‌ای است قوی که شرافت فرد را به رسمیت می‌شناسد. بر این اساس در بحث حقوق شهروندی، دولت ملزم است جایگاه شهروندان خود را به رسمیت بشناسد و حقوق آن‌ها را رعایت کند.

یکی از عوامل موثر بر قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران عوامل هنجاری و ساختاری است که عملکرد قانونگذاری مطلوب از طریق این تاثیر قابل بررسی است. مجلس یا قوه مقننه در نظام جمهوری اسلامی ایران کارکرد قانونگذاری دارد که جایگاه ویژگی را برای آن ایجاد می‌کند. قانون گذاری خوب به عواملی از قبیل نظارت، مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت و پاسخ گویی، تفکیک قوا، برابری و انصاف و کارایی و اثربخشی بستگی دارد. قانون گذاری خوب و حکومت خوب مباحثی هستند که مشخصات ویژه‌ای در مطالعات حقوق بشر، حقوق شهروندی، توسعه و عدالت اجتماعی و تفکیک قوا دارند. دستیابی به قانون گذاری و داشتن مجلس مناسب از مهمترین اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران برای جامعه بشری است. از این رو بحث قانون گذاری خوب و تعریف حکومت خوب و راه‌های دستیابی به آن از مباحث مهم در حقوق اساسی و علوم سیاسی می‌باشند (Salmani et al., 2023).

حاکمیت قانون و قانون مداری مهمترین پایه حکومت خوب است. بنابراین حکومت خوب بر قانون گذاری دقیق، منظم و عقلانی استوار است و حکومت خوب، در سایه هنجارهای صحیح قانون گذاری و عدم وجود تعارض هنجاری و ساختاری و رفتاری قانون گذاری حاصل می‌آید. بدون شک که عملکرد قانون گذاری تحت تأثیر مستقیم هنجارها و ساختارهاست. برخی از عناصر اساسی در قانون گذاری خوب نقش مهمی دارند: خوب بودن ساختارها و هنجارها، رفتارها، شرایط زمانی - مکانی قانون گذاری و دولت از عناصر مهم هستند. به این معنا که مضمون و معنای خوب بودن،

برابر هریک از معانی مختلف «حق» قرار می‌گیرد و معنی متناسب با خود را دارد» (Afzali & Hessam, 2010).

تامس هابز از حق به معنی آزادی و اختیار نام برده است و آزادی چیزی جز نبود موانع خارجی در برابر انسان نیست. آزاد بودن انسان به منظور انجام خواسته هایش یکی از مهمترین مفاهیم حق است. اما قانون قاعده یا حکمی است که آدمی را از انجام فعل (مثلاً اتلاف مال غیر) یا ترک فعل (مثلاً خودداری از پس دادن امانت غیر) منع می‌کند. پس حق بنا به گفته هابز جنبه ایجابی و قانون جنبه سلبی دارد، حق عرصه آزادی و اختیار است و قانون آن را محدود می‌کند. حق ناظر بر می‌تواندهاست و قانون عرصه حکم است و ناظر بر بایدها» (Movahed, 2013).

۱-۲- شهروند و حقوق شهروندی: در واقع شهروندواژه‌ای است که در رژیم‌های دموکراتیک استفاده می‌شود و به افرادی اطلاق می‌شود، که با دولت دموکراتیک وابستگی حقوقی - سیاسی دارند و از تمام حقوق و آزادی‌های بشری، مطابق قانون اساسی و سایر قوانین ملی، برخوردارند. بدین صورت به اجمال باید گفت شهروند در مباحث حقوقی به کسی اطلاق می‌گردد که حقوق فردی و جمعی خود را می‌شناسد و از آن‌ها دفاع می‌کند، قانون را می‌شناسد و به آن عمل می‌کند و بر اساس قانون حقوق خود را مطالبه می‌کند، از حقوق معینی برخوردار است، می‌داند که فرد دیگری هم حضور دارد و دفاع از حقوق او یعنی؛ دفاع از حقوق خودش و فردی که در امور شهر مشارکت دارد (Seifzadeh & Nouri Asl, 2011). از طرفی مفهوم شهروند ایده‌ای مردم سالارانه است. بنابراین مردمان تحت حاکمیت نظام‌های استبدادی، نظامی، سلطنت مطلقه و غیره، شهروند به شمار نمی‌آیند؛ بلکه اتباع و متعلقین آن نظام به شمار می‌آیند (Dadandish et al., 2013).

حقوق شهروندی عبارت است از مجموعه‌ای از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، یا شهر و دولت که

در یک حکومت با مفهوم خوب بودن در حکومتی با شرایط دیگر متفاوت است. یکی از مهمترین عملکردهای قوه قانون گذاری در نظام جمهوری اسلامی ایران بوجود آمدن طبقاتی از ساختارها و هنجارهاست. نوع تعامل دو قوه مقننه و مجریه، مهمترین مساله در سلسله مراتب هنجارها و ساختارهای حقوقی و قواعد و مقررات است. بافت، ساختارها و هنجارهای متفاوت این دو نظام تعامل آن‌ها را اندکی دشوار ساخته است و باید اصول و قواعد قانونمند برای این تعامل این دو در نظر گرفته شود. لذا در این پژوهش محقق در پی پاسخگویی به این پرسش است که چالش‌های هنجاری و ساختاری حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران کدامند؟

مواد و روش

در این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای به صورت فیش برداری از منابع مرتبط با تحقیق به بررسی چالش‌های ساختاری و هنجاری حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی پرداخته شده است.

۱- مفاهیم و تعاریف

۱-۱- حق: از حق به معنای راست، درست، ضد باطل، ثابت، واجب در فرهنگ عمید یاد شده است (Amid, 1990). در ادبیات محاوره‌ای این واژه به صورت "اسم" به کار برده می‌شود، در قالب "صفت" نیز کاربرد دارد. در زبان عربی گاهی به صورت "فعل" به کار می‌رود، به صورت "مصدر" و اسم مصدر نیز کاربرد دارد. بعضی از اهل لغت گفته‌اند: «با بررسی مواردی که کلمه حق در آن‌ها به کار رفته این طور برداشت می‌گردد که حق در اصل به معنی ثبوت است و همه معانی آن، به ثبوت بر می‌گردد» (Nouri et al., 2023). بر این اساس حق عبارت است از هر امر ثابت، اعم از واقعی و نسبی؛ «حق بر ملک و بهره معین شخص» نیز دلالت دارد؛ این نیز به خاطر ثبوت و تحقق آن است که به حکم قانون یا قرارداد معتبر، ثابت و معین گردیده است؛ «باطل» نیز در

وظیفه‌ی تأمین آن حقوقی بر عهده دولت می‌باشد و شهروندان با تمسک به آن انتظار دارند که به تمامی حقوق خود دست یابند (Shafaei et al., 2023). در مورد «حقوق شهروندی» باید گفت که این مفهوم، اغلب در کنار دو مفهوم «حقوق بشر» و «حقوق اساسی» مطرح می‌شود. این سه مفهوم گاهی مترادف و جانشین یکدیگر به کار می‌روند؛ اما در تفکیک مفهومی مرزهای ظریفی میان این مفاهیم سه گانه و دلالت موضوعی آن‌ها وجود دارد. حقوق شهروندی را می‌توان چنین تعریف کرد که آن بخش از حقوق اساسی است که در قانون اساسی هر کشور شکل ملی به خود می‌گیرد و فقط شامل حال شهروندان همان کشور خاص می‌باشد. مانند؛ حق مشارکت سیاسی (Salmani et al., 2022). با توجه به تعاریفی که از حقوق بشر و حقوق شهروندی ارائه شد باید گفت که: حقوق شهروندی بیش از هر چیز به حقوقی می‌پردازد که هر فرد به عنوان تابع یک دولت از آن برخوردار است و مصادیق آن بسیار زیاد است و از برخورداری از مسکن و آموزش و بهداشت گرفته تا حقوقی از قبیل حق دادرسی عادلانه ادامه می‌یابد. شاید بتوان گفت که حقوق شهروندی بیشتر ناظر به حقوق افراد در داخل یک کشور است و در آن به حقوق افراد به صورت ملی نگاه می‌شود نه فراملی و جهانی. اما حقوق بشر ناظر به حقوق فطری انسان است و سلب ناپذیر و غیر قابل اسقاط است و تضمین این موهبت در جهت تأمین آزادی‌های اساسی انسان دارای اهمیت فوق العاده است (Bashirtash et al., 2020). به عبارت دیگر، طرف‌های حق در سیستم شهروندی عبارتند از: اتباع دولت یا شهروندان و دولت. رابطه‌ای که این دو را به هم مربوط می‌سازد، ماهیتی دوگانه دارد؛ زیرا دوسویه و حق- تکلیف مدار است. در واقع بر خلاف مفهوم حقوق شهروندی که یک نگاه ملی به آن دارد، حقوق بشر را می‌توان حقوقی جهانی دانست که تمام انسان‌های روی این کره خاکی حق داشتن و بهره برداری از این حقوق را دارند؛ و اگر کسی در جهان پیدا شود که بخواهد در

مقابل این حقوق بایستد و حقوق بنیادین انسان‌ها را مورد خدشه قرار دهد، تمامی وجدان‌های بیدار به مقابله با آن بر می‌خیزند و از آن حقوق دفاع می‌کنند. به عبارت راسختر، حقوق بشر که برخاسته از ارزش‌های اخلاقی است، سرشتی هنجاری دارد؛ به طوری که گفتمان حقوق بشر گفتمان فرعی دیگری در خود جای داده است. ۱-۳- ساختار: مجموعه الگوهای هنجاری و رفتاری تنظیم شده می‌باشند که در یک سیستم جای دارند. مفهوم ساختار، اقدام اجتماعی به صورت یک کل، متشکل از رویه‌ها و اعمالیست که در زمان و مکان خاص خود دستاوردهای ماهرانه و آگاهانه کارگزاران انسانی به حساب می‌آید. ساختار هم ابزار و هم محصول رویه‌ها و اعمالی است که نظام‌های اجتماعی را می‌سازند. با بررسی جامعه‌شناختی می‌توان نشان داد که قانون گذاری ایران بنا به دلایل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی دارای ساختار ویژه و خاصی است که کارکرد عمده و اصلی آن ساخت اجتماعی است. بنا به دیدگاه ساختی کارکردی نتیجه و کارکرد عمده روانی ساختار قانون گذاری، ثبات، اعتماد، امنیت و عدالت در بین مردم است (Salmani et al., 2023).

۱-۴- هنجارها: یکی از اصول اخلاقی مهم در فرایند قانون گذاری هنجارها هستند. این نظریات یا مبتنی بر واقعیت‌های موجود اجتماعی بوده و یا به تدابیری که نظم اجتماعی را طلب می‌کند متکی هستند. هنجارها مربوط به ابعاد اخلاقی نمایندگان می‌شود و مسایلی را که در رابطه با استانداردهای رفتاری، تعهدات، مسئولیت‌ها، حقوق و وظایف نمایندگان در ارتباط با مردم هستند را مورد توجه قرار می‌دهد. در پژوهشهایی که در مورد هنجارها انجام شده بر اهمیت اخلاقی نمایندگان و ماهیت حقوق بشر و ملزومات عدالت توزیعی تأکید شده است لذا در مورد هنجارها، مقررات، ارزش‌ها و استانداردهایی وجود دارد که در قانون گذاری ایده آل مطرح می‌گردند. تلقی نهادها در اصول هنجاری به منزله راه حل‌های مسایل درون نظام‌های فرهنگی است. در این سطح

از این رو عدم التزام مسئولان دولتی به اصل حاکمیتی قانون و حکمرانی شایسته می‌تواند از مهمترین چالش‌های حقوق شهروندی به شمار رود (Heydari et al., 2023).

۲-۳- چالش‌های سیاسی: منشور حقوق شهروندی به هیچ عنوان یک سند سیاسی نیست، هر چند که بخش مهمی از آن بر حقوق سیاسی مدنی اختصاص دارد. این منشور سندی است که ارزش‌ها و کرامت انسانی را بر اساس موازین قانونی که نشأت گرفته از دین و عقلانیت است هدف قرار داده است، لذا از اینکه تلاش شود تا با سیاسی کردن منشور آن را از جایگاه اصلی خود خارج و همه تلاش‌های ذیربط با این ذهنیت دآوری شود، باید پرهیز نمود.

۲-۴- چالش‌های اقتصادی: هر اقدامی جهت پیشبرد مفاد منشور حقوق شهروندی مستلزم ساز و کارهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری از جمله تخصیص و تامین منابع اقتصادی و مالی لازم هست. منشور حقوق شهروندی به نوعی منشور توسعه کشور در همه ابعاد محسوب می‌گردد. سایه افکندن برخی ابرچالش‌ها بر وضعیت همه حق‌های انسانی به عنوان نمونه مشکلات وضعیت اشتغال و رونق اقتصادی در کشور یا کمبود منابع آب یا منابع اعتباری یا رشد نگران کننده برخی آسیب‌های اجتماعی باعث می‌شوند برای پاسخ دهی به نیازهای فوری شهروندان آسیب پذیر همواره محدودیت منابع و امکانات باشد (Qurashi et al., 2022).

۲-۵- چالش‌های فرآیندی و سازو کارها: قطعا در بسیاری از موارد برای تامین هر چه بهتر حقوق مردم لازم است تا کارهای جاری به شیوه‌ای دیگر یا در فرآیندهایی نو جریان یابد و یا حتی به شیوه‌ای نو درک و فهم شود. در این راستا ساختارهای کهنه به عنوان یکی از چالش‌های اساسی محسوب می‌گردد. در این رابطه نظام‌های آموزشی، رسانه‌ای و بخش ICT که وزارت ارتباطات متولی و مسئول آن است می‌توانند و باید نقش محوری خود را در این زمینه به خوبی ایفا کنند.

منظور قانون گذاران اشاره به اصول اخلاقی و هنجاری است که ساختارها و رویه‌های تنظیم و کنترل رفتار را تجویز می‌کنند. به منظور تشکیل یک حکومت مطلوب از طریق دموکراسی پارلمانی و حکومت قانون، با استفاده از اصول اخلاقی و هنجاری به دنبال ایجاد یک قانون گذاری کامل و آرمانی می‌باشند. عوامل ساختاری و هنجاری به دسته‌ای از عوامل گفته می‌شود که روابط میان نقش‌ها و موقعیت‌ها یا مکانیسم تعاملات میان افراد را متأثر و دگرگون می‌سازد. این عوامل بیشتر جنبه سخت افزاری دارد (Salmani et al., 2023).

۲- چالش‌های ساختاری حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران

۲-۱- چالش زمان: توجه داشته باشیم که همه سندها و منشورها و برنامه‌ها برای دست یابی به اهداف خود نیازمند فعالیت و به کارگیری منابع در یک پروسه زمانی مشخص و معقولی هستند. لذا متناسب با پیچیدگی و دشواری و منابع مورد نیاز به زمان متناسب برای دست یابی به اهداف در نظر گرفته شده نیازمندیم. از این رو کلیه دستگاه‌ها موظف شده اند و موظف هستند تا دوره انتظار را برای مردم در جهت دست یابی به خدمت در نظر گرفته شده تعیین و به مردم اطلاع رسانی کنند (Heydari et al., 2023).

۲-۲- چالش‌های مدیریتی: علیرغم همکاری‌های مناسبی که که در نهادهای متعدد تصمیم گیر در قوه مجریه و در بیرون از قوه مجریه صورت گرفته است، اما هنوز به همگرایی و هماهنگی بیشتر در این زمینه نیاز داریم. در این راستا بیش از این که به دنبال نهاد سازی جدیدی باشیم بیشتر به دنبال اصلاح و بهبود و ساده سازی فرایندها و نگرش‌ها هستیم تا بتوانیم با هم افزایی و تکیه بر کارایی رسمی نهادهای موجود ماموریت و اهداف در نظر گرفته شده را دنبال کنیم. بی تردید با بخشی نگری و بدون همکاری و هماهنگی نهادهای حاکمیتی نهادینه شدن حقوق شهروندی دشوار می‌نماید،

۲-۶- چالش عدم تجربه: عدم تجربه هم افزایی دانشهای مختلف اعم از روانشناسی، جامعه شناسی، حقوق، فلسفه، مدیریت، علوم سیاسی، محیط زیست و دیگر رشته‌ها برای پیشبرد حقوق شهروندی در کشور یک چالش مهم است، چرا که این حوزه را نمی‌توان فقط با تلاش‌های حقوقی به ثمر رساند (Qurashi et al., 2022).

۲-۷- چالش‌های قانونی: در برخی از بندهای منشور لازم است تا قوانین مرتبط با آن‌ها روشن و شفاف شوند و در راستای تامین هر چه بیشتر حقوق مردم مجدداً مورد تفسیر یا بازنگری قرار گیرند و یا لازم است تا قوانینی نسخ و مجدداً برای آن موارد قانون گذاری شود. این کار قطعاً نیاز به همگرایی زیادی بین قوای حاکمیتی کشور دارد که البته گام‌های موثری در این زمینه برداشته شده است، از جمله آن تشکیل فراکسیون حقوق شهروندی در مجلس شورای اسلامی است که حرکتی امیدبخش و تحول آفرین برای رویارویی با این چالش خواهد بود. یکی از زمینه‌های گسترش و توسعه حقوق عامه، اصل بیستم قانون اساسی است که تصریح دارد «همه افراد جامعه چه زن و چه مرد در حمایت یکسان قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». عبارت حقوق ملت به صورت کاملاً مبهم در فصل سوم قانون اساسی و به طور خاص در این اصل بیان شده است. در ابتدای امر، ممکن است معنای اتباع از واژه ملت به ذهن خطور نماید. اما با توجه به سایر اصول مندرج در فصل سوم مشخص می‌گردد که قانونگذار به مفهومی فراتر از اتباع اشاره کرده است. افزون بر این، عبارت «حقوق انسانی» در اصل بیستم قانون اساسی گویای مفهومی فراتر از حقوق ویژه اتباع ایران بوده و تلقی نخستین از آن حقوق بنیادینی است که هر انسانی به صرف انسان بودن خود از آن بهره مند می‌شود. بر پایه قانون اساسی قوه قضاییه به منزله قوه‌ای مستقل، نهادی پشتیبان حق‌های فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق عدالت- وظایفی را عهده دار

شده که مهمترین آن در بندهای پنجگانه اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی ذکر شده است. بر پایه بند دو این اصل، یکی از مهمترین وظایف قوه قضاییه «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» است که یکی از مجاری اعمال آن در بند دو اصل یکصد و پنجاه و شش «تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ایران» در نظر گرفته شده است (Salmani et al., 2023).

در این بند قانون اساسی عبارت «حقوق عامه» نیز مانند حقوق ملت مفهوم مبهمی دارد. از یک سو، میتوان در این بند حقوق عامه را معطوف به حق فرد افراد شامل همه حق‌های متعلق به افراد انسانی دانست و از سوی دیگر، می‌توان حقوق عامه را به معنای حق‌های جمعی عامه مردم در نظر گرفت. در معنای اخیر، حق‌هایی مانند بهره‌مندی از میراث مشترک بشریت، بهره‌مندی از کمک‌های بشردوستانه، بهره‌مندی از محیط زیست سالم و موارد مشابه دانست که ویژگی آن‌ها بهره‌مندی و مسؤولیت همگانی در قبال تحقق آن‌ها است مفهوم «حقوق عامه» را در بر می‌گیرد. در اینجا حقوق عامه از نظر مفهومی به حقوق همبستگی یا همان حقوق نسل سوم حقوق بشر بسیار نزدیک می‌گردد. تدوین کنندگان قانون اساسی با استفاده از عبارت «احیای حقوق عامه» بر این باور بوده اند که حقوق عامه مردم در نظام سیاسی پیش از انقلاب پایمال شده بود و بنابراین احیاء آن ضرورت دارد. بی‌گمان، منظور از این حق‌ها بیشتر ناظر به حق‌هایی مانند حق‌های مدنی و سیاسی است که در دوران پیش از انقلاب بیش از هر چیز در معرض تعرض و تعدی بود. فصل یازدهم قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۷/۱۶ با عنوان توسعه امور قضایی از ماده ۱۳۰ تا ماده ۱۳۴ به وظایف قوه قضاییه در ابعاد مختلف می‌پردازد. در راستای اجرای اصل بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بر اساس ماده ۱۳۰ قانون، قوه قضاییه موظف به تهیه و

پاسخ به ایرادهای یاد شده می‌توان موارد زیر را ذکر کرد: بیگمان، ماهیت منشور که جنبه اعلامی دارد، با لایحه قانونی که جنبه الزامی دارد، بسیار متفاوت است. منشورها ضمانت اجرا ندارند و در پی فرهنگ سازی و ایجاد بستر برای تصویب قانون اند. بدیهی است که با توجه به فرایند طولانی تصویب قانون، قانونگذار خواسته که با تدوین چنین منشوری تجربه‌های لازم برای تدوین لایحه و در عین حال فضای لازم برای اجرای چنین قانونی فراهم شود. از اینروست که قانونگذار چنین وظیفه‌ای را برای دولت و قوه قضاییه به شکل جداگانه مطرح کرده است؛ تهیه لایحه حریم خصوصی توسط دولت چنانچه در چارچوب قانون برنامه چهارم باشد، با این ایراد روبه رو است که دولت لایحه‌ای را تنظیم کرده که مسئولیت تنظیم آن را بر عهده نداشته است. بنابراین، باید بیرون از چارچوب مقرر در ماده ۱۳۰ تفسیر شود. بدین ترتیب، تهیه لایحه حمایت از حریم خصوصی نفی کننده صلاحیت قوه قضاییه در ارائه لایحه حقوق شهروندی نیست (Salmani et al., 2023).

۳- چالش‌های هنجاری حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران

۳-۱- چالش مشارکت‌های مردمی و داوطلبانه و بخش خصوصی: نکته حائز اهمیت دیگر این که در هیچ جای دنیا هیچ دولتی نمی‌تواند به تنهایی مردم را به همه حقوقشان برساند و اگر بتواند نیز زمان آن آنقدر طولانی خواهد بود که خدمات از حیز انتفاع ساقط می‌شود. از این رو یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه گسترش سهم بخش خصوصی و مردمی و جامعه مدنی در پیشبرد حقوق مردم است که به عنوان پیشروان حقوق شهروندی با جایگزین ساختن مشارکت سازمان یافته به جای مشارکت توده‌ها می‌تواند در این رابطه به کمک دولت بیایند (Saeid & Balavi, 2023).

تصویب برخی لوایح؛ از جمله، بند «ه» ماده ۱۳۰ تهیه و تدوین لایحه «حمایت و ارتقاء حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد است. افزون بر آن، در سه بند «ز»، قوه قضاییه را به «رفع هرگونه تبعیض قومی و گروهی، در قلمرو حقوقی و قضایی» مکلف کرده است. «به منظور ارتقای حقوق انسانی، استقرار زمینه‌های رشد تعالی و احساس امنیت فردی و اجتماعی در جامعه و...» «منشور حقوق شهروندی» قانونگذار در ماده ۱۰۰ قانون برنامه چهارم و در فصل ارتقاء امنیت انسانی و عدالت اجتماعی دولت را موظف کرده که محورهای ذیل را تنظیم و به تصویب مراجع ذیربط برساند: الف - پرورش عمومی قانون مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آیین شهروندی؛ ب - تأمین آزادی و صیانت از آراء مردم و تضمین آزادی، در حق انتخاب شدن و انتخاب کردن؛ ج - هدایت فعالیتهای سیاسی، اجتماعی به سمت فرایندهای قانونی و حمایت و تضمین امنیت فعالیتها و اجتماعات قانونی؛ د- تأمین آزادی و امنیت لازم برای رشد تشکلهای اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان؛ ه - ترویج مفاهیم وحدت آفرین و احترام آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام مختلف در فرهنگ ملی؛ و- حفظ و صیانت از حریم خصوصی افراد؛ ز- ارتقای احساس امنیت اجتماعی در مردم و جامعه.» با توجه به مطالب پیشگفته، نکات زیر را می‌توان مطرح کرد:

۱- با توجه به وظیفه دولت در تهیه منشور حقوق شهروندی، تهیه لایحه حقوق شهروندی توسط قوه قضاییه منطقی نیست؛ ۲- آنچه به منزله وظیفه قوه قضاییه در بند «ه» ماده ۱۳ قانون برنامه چهارم ذکر شده، تهیه لایحه «حفظ و ارتقاء حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد»... است و با توجه به اینکه در سال اخیر لایحه‌ای با عنوان «لایحه حمایت از حریم خصوصی» توسط دولت تهیه شده، تدوین این لایحه و جاهت قانونی ندارد. زیرا، این وظیفه انجام شده انگاشته می‌شود. در

۳-۲- چالش انتخابات آزاد و منصفانه: بارزترین نوع مشارکت

در عرصه سیاسی در کنار ساز و کارهای مشارکت به صورت گروهی و صنفی برگزاری و مشارکت در انتخابات است که این عامل از یک سو تحکیم بخش پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی از سوی دیگر ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه مدنی است. انتخابات آزاد و منصفانه یکی از اوصاف انتخابات خوب است. آزادی در انتخاب کردن به این معنی است که هر کس حق دارد با آزادی کامل و بدون هیچ محدودیتی در سرنوشت میهن خود سهم باشد و در انتخابات شرکت کند. زمان و تاریخ برگزاری انتخابات در امر مشارکت و افزایش میزان رأی دهی مؤثر است. تمامی انتخابات‌ها، چه در سطح محلی و چه در سطح ملی را نباید ضرورتاً در یک روز واحد با انتخابات دیگر برگزار کرد، بلکه باید آن‌ها را با فاصله زمانی از یکدیگر برگزار کرد (Lotfi et al., 2019).

۳-۳- چالش اجماع‌پذیری و توجه به خرد جمعی: به اقتضای

عقل خود بنیاد قانونگذاری توسعه می‌یابد. بنیان توسعه قانون گذاری بشری، خرد جمعی نمایندگان در حوزه قانون گذاری است. یکی از اصول مهم در زمینه مشارکت سیاسی و اجتماعی مشورت و توجه به خرد است که در ایجاد و استقرار قانون گذاری خوب مورد تأکید قرار گرفته است. اصل شورا امری عقلی است که مورد تأکید دین اسلام است.

۳-۴- چالش احزاب سیاسی: احزاب به عنوان عاملی برای

مشارکت مردم در رویدادهای سیاسی، نردبان مناسبی برای عبور نخبگان سیاسی نیز به شمار می‌آیند. احزاب و گروه‌های فعال در انتخابات از نیروهای عمده توسعه قانون گذاری محسوب می‌گردند که مورد اتفاقات اجتماعی و سیاسی، نظرات مختلفی را دارا هستند. استحکام و تثبیت پایه‌های نظام جمهوری اسلامی، قرار گرفتن اکثریت مطلق کرسی‌ها =ی مجلس در دست جناح‌های سیاسی و گروه بندی‌های سیاسی از پیامدهای قانون انتخابات

است. یکی از عوامل حکومت خوب، احزاب سیاسی هستند که نقش مهمی در توسعه نظام قانون گذاری در پارلمان‌ها دارند. نظام پارلمانی از راه انتخابات به تقویت اپوزیسیون و نظارت قانونی می‌انجامد. چنین نظام انتخاباتی باید به ایجاد یک گروه اپوزیسیون کارآمد کمک کند، اپوزیسیونی که بتواند با یک دید انتقادی قوانین را مورد ارزیابی قرار دهد و از حقوق اقلیت‌ها دفاع و حامیان را به گونه‌ای مؤثر نمایندگی کند.

۳-۵- چالش‌های فرهنگی و اجتماعی و آموزشی: قطعا دست

یابی به کیفیات مندرج در منشور حقوق شهروندی و نهادهای ساختن آن‌ها و ایجاد زیر ساخت‌های فرهنگی و اجتماعی، خصوصاً آموزش شهروندان و کارکنان از اهمیت محوری و بنیادی برخوردار است. در این ارتباط هم در بخش دولتی و هم در بخش‌های مردمی و نهادهای مدنی و هم در بخش خصوصی اقدامات زیادی باید صورت می‌گرفت که در یکسال گذشته گام‌های خوبی در ارتباط با آموزش در نهادهای آموزشی و در بخش خصوصی و یا توسط سازمان‌های مردم نهاد صورت گرفته است که باید گسترش یابد. تا آن جا که تامین و تضمین حقوق شهروندی هم در مسئولان و هم در مردم به یک امر درونی و اصل خویشکارانه و البته به یک ارزش والا تبدیل شود و آن چنان نیازی به نهادهای نظارتی نباشد (Salmani et al., 2023).

نتیجه‌گیری

شایان ذکر است راهکارهای اجرایی نمودن منشور حقوق شهروندی بدون شک، در گام اول بر شناسایی موانع پیش رو استوار است. از زمان طرح پیش نویس منشور و همچنین در یک سال گذشته (پس از رونمایی) اصلی ترین چالش «نبود ضمانت اجرا» و یا «خواست واقعی در عملیاتی نمودن آن» عنوان شد. این نگاه یک سو به «حقوق شهروندی» اما در یک دید کلان، خود اصلی ترین آسیب پیش رو است. دولت هر چند بازیگر اصلی در شناسایی، آموزش، ترویج، تضمین و حمایت از حقوق شهروندی

است، اما فعال مایشا نیست. در صحبت از چالش‌های پیش رو، می‌توان از چالش‌های فرا روی دولت (به معنای عام)، چالش‌های فرهنگی و تاریخی و چالش‌های جهانی سخن گفت. در این نگاه، دسته‌ای از چالش‌ها «بومی» و اختصاص به هر جامعه و قدرت اداره کننده آن جامعه دارند و دسته‌ای دیگر، چالش‌هایی است که مربوط به همه جوامع به رغم تفاوت‌های میان آنهاست.

در این میان، یک چالش مشترک، در سطح ملی و جهانی و بر سر راه دولت و باقی سطوح جامعه، حول محور درکی شکل می‌گیرد که ما از خود عنوان «شهروندی» خواهیم داشت. فهم «شهروندی» به عنوان «یک حق که پایه و اساس حقوق دیگر است» اولین گام برای حل برخی از اصلی‌ترین چالش‌های فرا روی ماست. زمینه‌های تاریخی و فرهنگی جوامع انسانی، با این مفهوم جدید از رابطه دولت و فرد بیگانه است. اینکه شهروندی به چه معناست و چه ویژگی‌هایی دارد و بر چه اصولی استوار است و چه تفاوت‌هایی با دیگر اشکال رابطه دولت و ملت دارد، در این راه بسیار تعیین کننده خواهد بود.

این تغییر نگاه به رابطه فرد و دولت تنها بر پایه تغییر قوانین و یا با ابلاغ بخشنامه‌های دولتی و به صورت دستوری و از بالا به پایین رخ نخواهد داد. تغییرات قانونی که از زمان مشروطیت آغاز و با انقلاب شکوهمند اسلامی به اوج خود رسید، بایستی با یک سلسله برنامه‌ها، جریان سازی و گفتمان سازی‌ها همراه شود تا جامعه و دولت به یک فهم مشترک از خود «شهروندی» برسند. «منشور حقوق شهروندی» بیش از هر چیز در صدد آن است که «شهروندی» گفتمان اصلی و غالب در سطح جامعه شود.

اصلی‌ترین رویکرد دولت برای تحقق این هدف، بویژه با تکیه بر آموزه‌های دینی، شناسایی شهروند به کارگزاران حکومتی و خود شهروندان بر این مبنا است که شهروندی تنها یک منزلت و شأن و یا یک عنوان برای دارا شدن حقوق و مسئولیت‌ها نیست. شهروند تنها یک ذی نفع نیست که قرار است دریافت کننده یک سلسله

خدمات باشد، شهروند، یک مشارکت کننده در تمام امور است که بایستی چنان توانمند شود که تاثیرگذاریش در جامعه به حد اعلیٰ برسد. شهروندی بیش از آنکه مبنایی برای دارا شدن حقوق باشد، محوری است برای مطالبه گری حقوق و کنش گری. در این رویکرد، شهروندان، منفعل نیستند و در یک ارتباط دوسویه با دولت و سایر نهادها، با تکیه بر حمایت‌های نظام حقوقی و هنجارهای فرهنگی، قادر خواهند بود در رشد فردی خود و در توسعه هم جانبه جامعه، نقش اساسی داشته باشند.

برای دستیابی به چنین درکی از «شهروندی»، نیاز ضروری است تا در کنار تغییرات قانونی و شکل گیری و شناسایی یک سلسله قواعد جدید، مجموعه‌ای از گفتمان‌های غیر رسمی، باورها و رویه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز دچار دگرگونی اساسی شود این اصلاح نگرش هم از درون قدرت و هم از درون جامعه و در روابط میان شهروندان باید صورت گیرد. چنین هدفی تنها در بستر یک «گفتگو و اجماعی ملی» میان حاکمیت و جامعه و نخبگان رخ خواهد داد که در صدد است «شهروندی» و «حقوق مرتبط با آن» را تبدیل به یک خواست عمومی کند.

به موازات چالش‌ها و و موانعی که در مسیر تحقق حقوق شهروندی و اجرایی سازی منشور حقوق شهروندی عرض اندام می‌کنند، از فرصت‌ها و سرمایه‌های بی بدیلی که در شرایط حاضر در خدمت این هدف خودنمایی می‌کنند نیز نباید چشم پوشی کرد؛ مطالبه و آگاهی و مسئولیت پذیری بی نظیر مردم در این مقطع تاریخی؛ اراده جدی رییس جمهور بر اجرای قانون اساسی و رعایت و پیشبرد حقوق ملت و تاکید همه مسئولان و بزرگان نظام بر حاکمیت قانون، ریل گذاری و زمینه سازی لازم در دوره قبل برای اجرای برنامه‌های عملیاتی، رویکرد اعتدالی حاکم بر قوه مقننه جهت همراهی و همگامی با دولت، تولیدات نظری گسترده محافل دانشگاهی و حوزوی، تجربیات عملی و ابتکارات متنوعی که در ۴ دهه گذشته در جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد زیرساختاری

دستگاه‌های اجرایی در پیگیری و ارائه گزارش عملکرد همگان را به این باور خواهد رساند که حقوق شهروندی نه واژه و مفهومی وارداتی است (به زعم برخی) و نه اقدامی نمایشی و ویتروینی و زینت المجالس (به زعم برخی دیگر)؛ این منشور یادآور حقوق حقه و به رسمیت شناخته شده ملت ایران در قانون اساسی و در عین حال حقوق بر زمین مانده و فراموش شده مردم در طول یکصد سال اخیر و مسئولیت ارکان حاکمیتی در این حوزه است، منشوری که می‌تواند پیشران توسعه پایدار و همه جانبه ایران باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The concept of citizenship rights has emerged as a central pillar in contemporary legal and political discourse, representing the evolution of the relationship between individuals and the state from one of mere subjection to one of active participation and entitlement. While human rights are universal, inherent, and non-derogable, citizenship rights are framed within the boundaries of political membership and the constitutional order of each nation. They encompass a broad spectrum of civil, political, economic, social, and cultural entitlements that reflect a society's commitment to equality, freedom, justice, and independence. In the Iranian legal system, this shift towards a rights-based citizenship identity has been accompanied by an effort to codify and institutionalize protections through legislative measures, including the *Law on Respect for Legitimate Freedoms and the Protection of Citizenship Rights* and subsequent development plans obligating the government and judiciary to prepare a comprehensive

ارتقای حقوق مردم در عرصه‌های مختلف انجام پذیرفته، وجود سرمایه انسانی متخصص و با تجربه و آگاه در حوزه‌های مختلف حق‌های شهروندی، احکام مقرر در قانون برنامه ششم توسعه که مبنای حرکت توسعه‌ای کشور در ۵ سال آتی خواهد بود، نگرش امیدوارانه زنان و اقلیت‌های قومی و مذهبی به تصمیمات مدیرانه دولت دوازدهم برای پاسخ دهی به مطالبات مشروح آنان، رویکرد دولت در پای بندی به توسعه همه جانبه کشور و تعامل منطقی با جهان و حرکت متعادل و به دور از هیجان و یک سونگری و برخورد‌های شعاری با مسایل کشور، هماهنگی مسئولان مدیریت شهری پای تخت با دولت به عنوان الگوی سایر استانها و بالاخره وجود منتقدان سازمان یافته و دارای ابزارهای متنوع اطلاع رسانی که ضعف‌ها و خلاءها را مستمرارصد و گوشزد خواهند کرد، همه و همه روند تلاشهای تخصصی و عالمانه برای ارتقا و تحقق حقوق شهروندی را تسهیل خواهد کرد و با پیشقدم شدن

citizenship charter. However, despite this formal recognition, the lived experience of citizenship often remains fraught with normative and structural barriers that prevent full realization of these ideals. Key among these barriers is the failure of authorities to consistently adhere to the rule of law, an essential foundation for good governance and effective rights protection (Salmani et al., 2023). Without a rights-conscious administrative and judicial culture, formal statutes alone cannot guarantee citizens' dignity, security, and participation.

A fundamental challenge in operationalizing citizenship rights in Iran stems from the normative underpinnings of lawmaking itself. The concept of "right" (*haqq*) is multifaceted, denoting stability, validity, and entitlement. Lexicographical and jurisprudential sources emphasize its roots in truth and obligation (Afzali & Hessam, 2010; Amid, 1990; Nouri et al., 2023). In political philosophy, thinkers like Hobbes interpret rights as spheres of liberty and autonomy, while law serves to limit these

liberties to maintain social order (Movahed, 2013). This duality — rights as freedoms versus law as restraint — underlies persistent tensions in the Iranian legal framework where state prerogatives sometimes overshadow individual entitlements. The notion of the “citizen,” as opposed to mere subjects or nationals, implies awareness of one’s own rights, engagement with civic duties, and participation in governance (Dadandish et al., 2013; Seifzadeh & Nouri Asl, 2011). Citizenship rights, therefore, go beyond abstract ideals; they are the practical expression of civil and political membership with reciprocal obligations between individuals and the state (Bashirtash et al., 2020; Salmani et al., 2022; Shafaei et al., 2023). Yet, ingrained historical, cultural, and administrative traditions complicate the transition to an active, participatory model of citizenship. Achieving this shift requires not only legal codification but also normative transformation in both government and society.

At the structural level, several impediments weaken the enforcement and vitality of citizenship rights. One prominent issue is the temporal dimension of rights realization — the gap between legislative commitment and practical service delivery. Laws and charters require clear timelines, adequate resources, and efficient administrative procedures to avoid rendering promised rights ineffectual (Heydari et al., 2023). Another structural weakness lies in fragmented governance and managerial incoherence; although multiple governmental and semi-governmental bodies engage in rights protection, their actions often lack coordination and synergy. Instead of continuous institution-building, the focus should be on reforming and streamlining existing processes to create functional, responsive mechanisms. The persistence of outdated organizational frameworks and insufficient interagency collaboration makes the institutionalization of rights fragile and

inconsistent. Additionally, political instrumentalization of rights charters undermines their credibility; while the citizenship charter is not inherently a political document, efforts to politicize it can distort its purpose and impede adoption. Economic constraints also critically affect the implementation of rights guarantees. Without sustainable funding and infrastructure, ambitions for inclusive rights protection — particularly in employment, social security, and essential services — cannot be realized (Qurashi et al., 2022). Finally, the lack of interdisciplinary engagement and expertise across fields such as sociology, psychology, law, and governance hinders innovative policy solutions and integrated approaches to citizenship empowerment.

Legal ambiguity further compounds structural barriers, especially where constitutional language and statutory frameworks fail to articulate enforceable guarantees. Provisions like Article 20 of the Constitution, which declares equal protection for all individuals, remain conceptually underdeveloped, creating interpretive uncertainty about who qualifies as “the people” and which rights are nationally versus universally applicable (Salmani et al., 2023). Similarly, the notion of “public rights” (*hoqooq-e amm*) lacks precise operational definition, oscillating between collective entitlements and individual liberties. This ambiguity weakens judicial protection and enables discretionary interpretations by authorities. Institutional mechanisms such as the Administrative Justice Court, the Supreme Audit Organization, and parliamentary oversight bodies have partial capacity to address rights violations but are insufficient to substitute for a robust, independent human rights and citizenship body. Comparative experiences show that national human rights institutions — structured as independent ombuds offices or commissions — can bridge the gap between government accountability

and citizens' access to justice. Iran's existing institutions, although important, do not yet possess the legal mandate, operational autonomy, and trust necessary to serve this function effectively (Heydari et al., 2023). Moreover, the interplay between the legislature and executive in lawmaking remains complex, as differing structural logics and normative expectations impede coherent and rights-focused legislation.

Equally significant are the normative and socio-cultural challenges that shape the environment in which rights are understood, demanded, and upheld. True citizenship is incompatible with passive political identity; it thrives where citizens internalize legal norms, respect the rights of others, and engage actively in civic life. However, historical legacies of hierarchical governance and limited participatory traditions can foster passivity and distrust. Expanding the role of civil society, private sector engagement, and voluntary associations is crucial for bridging this gap (Saeid & Balavi, 2023). Free and fair elections, as the most visible mechanism of political participation, are another normative pillar. Yet procedural issues, such as election scheduling and accessibility, can influence turnout and perceptions of fairness (Lotfi et al., 2019). Broader consultative practices, including reliance on collective wisdom and inclusive policy dialogue, remain underdeveloped despite their grounding in Islamic and democratic ideals. Political party systems also play a pivotal role: strong, competitive parties can channel diverse social interests, cultivate accountability, and provide structured pathways for political inclusion, but in practice, party development faces both institutional and cultural obstacles. Finally, socialization and education around citizenship remain uneven. Achieving widespread respect for rights and legal order requires deliberate cultural investment — particularly in public education, media, and civic training — to make

rights awareness an internalized value rather than an external imposition (Salmani et al., 2023).

In conclusion, advancing citizenship rights in the Islamic Republic of Iran depends on overcoming a complex web of interrelated normative and structural challenges. Legal frameworks alone cannot secure meaningful rights without consistent political will, functional institutions, and a rights-aware society. Progress requires addressing legal ambiguity, enhancing government accountability, and fostering interdisciplinary and participatory approaches. Equally, it necessitates cultural transformation — cultivating a shared understanding of citizenship not as passive entitlement but as an active, reciprocal relationship between individual and state. Sustainable reform will emerge only through continuous dialogue among government, civil society, and citizens, coupled with transparent governance and nonpoliticized rights instruments. By integrating these dimensions, the Iranian legal system can move beyond declarative charters toward a practical, resilient architecture of citizenship that supports both individual dignity and national development.

References

- Afzali, R., & Hessam, M. (2010). Citizen Rights in Iran. *Political-Economic Information*(279-280), 19-32.
- Amid, H. (1990). *Farhang Farsi Amid*. Amirkabir Publications.
- Bashirtash, S., Mohebi, M., & Niavarani, S. (2020). The Challenges Facing Basic Rights of Citizenship in Iranian Constitution in the Light of International Human Rights System. *MLJ*, 14, 589-600.
- Dadandish, P., Kananian, S., & Amini Ahmadabad, A. (2013). Challenges of compiling a charter of citizenship rights in Iran (with emphasis on Article 100 of the Fourth Development Plan Law). *Strategic Quarterly Journal*, 22(3), 77-98.
- Heydari, I., Hyderpur, J., & Rajaei, M. (2023). The quiddity of citizenship rights and ways to make them universal in society. *Religion and Law*, 11(39), 25-49.

- Lotfi, T., Ebrahimian, H., & Ranjbar, M. (2019). The Charter of Citizens' Rights and the Challenges of Women's Citizens' Rights in Iran. *Bioethics*, 10(1), 105-117.
- Movahed, M. A. (2013). *In the Air of Truth and Justice*. Karnameh Publications.
- Nouri, H., Abdinejad, S., & Shekharbeigi, A. (2023). Challenges of Upholding Citizens' Rights in the Crime Detection Process. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 5(4), 202-215.
- Qurashi, S. M., Ebrahimian, H., & Ranjbar, M. (2022). Globalization as a Challenge to the Citizenship Rights Theory in the Islamic Revolution Discourse and the Islamic Republic's Judiciary Iran. *scientific journal Political Sociology of the Islamic Revolution*, 2(4), 145-164.
- Saeid, S. Z., & Balavi, M. (2023). Citizenship Rights in the Context of the Islamic Republic of Iran. *Religion and Law*, 11(41), 101-120.
- Salmani, Z., Sharifi, A., & Farkish, H. (2022). Challenges of Citizenship Rights in the Iranian Administrative System in Light of Good Governance. *Culmination of Law*, 8(3), 199-229.
- Salmani, Z., Sharifi, A., & Farkish, H. (2023). A Study of the Challenges Facing Citizen's Rights in the Iranian Administrative System Based on Good Governance Indicators. *Public Law Studies Quarterly*, 54(3), 1409-1433.
- Seifzadeh, H., & Nouri Asl, A. (2011). National Identity and Citizenship Rights in Iran: Bilateral and Multilateral Dialogue of Nation-State. *Quarterly Journal of Political Studies*, 11, 145.
- Shafaei, M., Jafari, M., & Ghasemi, M. (2023). A critical analysis of the foundations and examples of citizenship rights in Iran. *Encyclopedia of Jurisprudence and Comparative Law*, 1-16.